[24] ربما اصلى الله ركعتين فانصرف عنها بمنزلة من ينصرف عن السرقة من الحياء يعنى بسيار است كه دو ركعت نماز ميكذارم از براى الله تعالى پس از آن نماز منصرف ميشوم از خجالت وشرمندكى بمنزلهء دزدى كه از دزدى منصرف شود كتاب الطهارات باب بداءه القول في الطهارة اساس طهارت در لغت بمعنى نزاهت ونظافتست ودر اصطلاح شرع اسم وضو وغسل وتيمم است بر وجهى كه صلوح تأثير در اباحت عبادت داشته باشد وهيچيك از مجتهدين ازمنه سابقه را تعريف جامع ومانع كه در طردد وعكس از فساد سالم بوده باشد ميسر نشده است ومن در بعضى از مصنفات كفته ام الطهاره من البشرة وما في حكمها باحد الطهورين أو ما في حكمه بحسب حكم الشرع مشروطا بالنية بالذات استقلالا طهارت ممسوس ساختن بشره است وانچه در حكم بشره باشد بيكى از دو طهور كه آب وخاكست يا انچه قايم مقام آن بوده باشد بحسب حكم شرع مشروط به نيت است بالذات بر سبيل استقلال اين تعريف تاميت وجامعيت ومانعيت را در عكس وطرد مستجمع وجميع وجوه ايرادات واعتراضات را در اطراد وانعكاس مستدفع است وضوء مجدد ووضو حايض _____